

نگاهی به مفاهیم و تاریخچه کوچ‌نشینی و تدریس آن در ایران

دکتر سید رحیم مشیری - استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

مقاله حاضر به موقعیت کوچ‌نشینی در ایران و در رابطه با نواحی مربوطه می‌پردازد. واژه کوچ‌نشینی از زبان یونانی ریشه گرفته و اغلب جامعه شناسان و جغرافی‌دانان درباره آن تحقیق نموده‌اند. از جمله جغرافی‌دانان ایرانی دکتر پایلی و دکتر سهامی درباره کوچ‌نشینی تحقیقاتی انجام داده‌اند. ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه دارای کوچ‌نشینی هستند که مهمترین مشخصه‌ها و نیازهای آنها بشرح زیر است.

- فضا برای حرکت

- سازمانهای اجتماعی

- زیربنای خاص اقتصادی

از سال ۱۹۷۰ بعلاوه اهمیت کوچ‌نشینی و براساس سیاست‌های آموزش عالی در ایران،

دانشگاهها مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکتری رشته کوچ‌نشینی دایر نموده‌اند.

پیشینه مطالعات

واژه جغرافیای کوچ‌نشینی که در محافل علمی رسمی جهان تازه وارد شده است، ریشه یونانی دارد و آن را می‌توان در گذشته دور، دست کم در نوشته افلاطون و ارسطو به خوبی تشخیص داد. در گذشته، فیلسوفان از مباحث راجع به جوامع مختلف غافل نبودند و ضمن مقایسه این جوامع با یکدیگر می‌کوشیدند تا وجه اشتراک و افتراق آنها را دریابند. با وجود این، مبانی مشخص تر کوچ‌نشینی مکتوب را باید از قرون شانزدهم به بعد جستجو کرد. در طی این قرون مردم اروپای غربی ضمن این که با سیل خروشان اطلاعات مواجه بودند، نمی‌توانستند اطلاعات را در باورهای سنتی خود بگنجانند. آنان با کشف قاره‌های جدید از جمله آمریکا و فهم فرهنگهای مختلف، دریافته بودند که اروپا نمی‌تواند مرکز زمین باشد؛ بنابراین اقوام و ملل دیگری نیز هستند که در سایر نقاط کره زمین به زندگی و

امرار معاش می پردازند و فرهنگ کاملاً متفاوت با فرهنگ آنها دارند.

نهضت پروتستان، ناگوارترین جنگهای مذهبی، افزایش روزافزون جمعیت و نوآوری علمی افکار و اندیشه‌های تازه‌ای را درباره ماهیت زندگی انسان مطرح ساخت. در میان نتایج حاصل از مجموع این فعالیت‌ها، دو جریان فکری خاص نقش مهمی در پایه‌گذاری علوم نوین انسانی به عهده داشتند: نخست مطالعه منظم و مستدل انسان و جامعه برای تجدید حیات که از میان راهگشایان چنین تفکری می‌توان توماس هابز، جان لاک، مونتسکیو، ژان ژاک روسو، جان میل، آدام اسمیت و مالتوس را نام برد. قبل از پایان قرن ۱۸ این دانشمندان عملاً استقلال نظریه‌های اجتماعی را از مبحث حکمت الهی تأمین کردند و شالوده‌های علوم اجتماعی جدید از جمله مطالعه روی جوامع مختلف به ویژه جوامع کوچ نشین را استوار ساختند. در طول همین دوره و بعد از آن، پژوهشگران دیگر برای پیشبرد مطالعات اجتماعی به روش کمی و سنجش منظم پدیده‌های مختلف اجتماعی و زیستی دست بکار شدند و در پاره‌ای از موارد به مباحث نظری پرداختند و تئوریهای^(۱) مختلف انسان و محیط و به عبارتی فضا^(۲) را در چهره اکولوژیکی آن مطرح ساختند. طبیعی است که در این تحول همه دانشمندان علوم محیطی و انسانی سهیم بوده‌اند. بنابراین سهم جغرافیدانان نیز به قوت خود محفوظ و مشخص است.

دومین تحول، رواج گرفتن نظریه مبتنی بر محیط‌شناسی و تکامل، تعادل یا تعامل است. در حقیقت نتیجه اعتراف به این واقعیت آن بود که برداشت ساختاری - عملکردی به تنهایی قادر نیست تا پایه نظری مناسبی برای درک و فهم دو جنبه حاد و مهم (تغییر و تنازع) زندگی انسانی باشد.

تغییر و تنازع در تمام ادوار تاریخ بشر بسیار با اهمیت بوده‌اند. اهمیت آنها در قرن حاضر ابعاد خارق‌العاده‌ای یافته است. بسیاری از مسائل بغرنج روزگار ما نظیر تهدید به جنگ، جنگ، درماندگی جهان سوم، مسئله فقر و بیکاری، تهدید محیط زیست، آلودگی هوا، آب، بحران مواد غذایی و... همه از مسائلی هستند که تنها در سطح کلان علمی می‌توان به آنها پرداخت و اگر مقرر باشد تا پاسخی برای آنها یافت، لزوماً باید از مبانی نظری و پژوهشهایی در سطح کلان انسانی و طبیعی یاری گرفت.

جغرافیای کوچ نشینی نیز از این کلان‌اندیشی‌ها بی‌بهره نمانده است و فضای جغرافیایی کلان را در سیطره گذشته کوچ نشینان می‌یابد. تجدید حیات و یا فروپاشی^(۳) جامعه کوچ نشین تحت تأثیر

عوامل گوناگون محیط زیست طبیعی و اجتماعی و اقتصادی پاسخی است که جغرافیدانان بر اساس نظریه‌های مبتنی بر تأثیر مشترک دو عامل انسان و محیط خواهند یافت. بنابراین جغرافیای کوچ‌نشینی از چارچوب نظری خاص و عام جغرافیایی و دیگر علوم بهره خواهد گرفت. از جمله نظریه‌ها و دانشمندانی که به نحوی آراء و دیدگاه آنها در شکل‌گیری این رشته مؤثر بوده است، عبارتند از فریزر^(۱) (۱۸۹۰) که با تحقیقات خود آداب و رسوم، شعائر و اعتقادات قومهای مختلف را در کتاب شاخه زرین خود بیان کرده است. اسپنسر^(۲) (۱۸۹۶) که پیشرفت تدریجی زندگی اجتماعی از اشکال ساده به سوی اشکال پیچیده را مطرح ساخته است؛ اندروز^(۳) (۱۹۰۱) که پیشینه انسان را با پیشینه کوچ‌نشینی جستجو می‌کرد؛ هریسون^(۴) (۱۹۰۳) که در دین و مقدسات جوامع کوچ‌روی یونانی تحقیقاتی دارد؛ تیلور^(۵) که روی انسانهای بدوی و ماهیت مشترک قبیله‌های^(۶) ابتدایی تحقیقاتی دارد؛ دیویس^(۷) (۱۹۰۹) که در کتاب مقالات جغرافیایی خود روابط زمین و ساکنان آن را بیان داشته است؛ پیلگریم^(۸) (۱۹۱۱) که در دامنه کوههای هیمالیا به دنبال کوچ‌نشینی تاریخی به جستجوی آثار انسانی مشغول بود؛ هانتینگتون^(۹) (۱۹۱۵) که تأثیر عوامل اقلیمی را روی زندگی و تمدن^(۱۰) انسانها بررسی کرده است؛ هالن باروز^(۱۱) (۱۹۲۳) که تأکید بر توجه جغرافیدانان به مسئله روابط انسان و محیط دارد، کارل ساور^(۱۲) که مدل چشم‌انداز طبیعی و فرهنگی را ارائه و به موضع امکان‌گرایانه انسان در برابر محیط

1. Frazer, The Golden Bough, 1890
2. Spencer, Principles of Sociology, Vol.3, London, 1896.
3. C.W. Andrews, 1901.
4. J.E. Harrison, Prolegomena to the Study of Greek, 1903.
5. Tylor, Primitive Culture, Vol, 12, London, 1903.
6. Tribely
7. Davis, William, M. Geographical Essays, 1909.
8. Pilgrim, (1911).
9. Huntington, Civilization and Climate, Oxford, 1915.
10. Civilization
11. Barous, Geography as Human ecology, Association of American Geographers, Vol.1B, 1923.
12. Saver, The Morphology of land Landscape, University of California, 1925.

پرداخته است، سمپل^(۱) (۱۹۳۱) که با توجه به نظریه جبر جغرافیایی به مطالعه محیط طبیعی و انسانی نواحی مدیترانه پرداخته است. دیگر جغرافیدانان از جمله پیر ژورژ از فرانسه، ادواردهان و بیرت از آلمان نقش بزرگی در جلب توجه جغرافیدانان راجع به جوامع مختلف از جمله جامعه کوچ نشین داشته‌اند. در این خصوص نباید بارتلز^(۲) (۱۹۴۳)، بارت^(۳) (۱۹۶۰)، بوبک^(۴) (۱۹۵۹)، باخ^(۵) (۱۹۵۱)، هانکوک^(۶)، لیدمایر^(۷) (۱۹۶۵)، دوپلانول^(۸) (۱۹۶۱)، اولیچ^(۹) (۱۹۶۲) را نیز که هر کدام تحقیق و اثر تدوین شده‌ای به طور مشخص در زمینه کوچ نشینی دارند فراموش کرد؛ آثار هر یک از افراد در پایان آمده است.

مفاهیم و موضوعات

نخستین الزامی که در زمینه نظری (تئوری) مبتنی بر کوچ نشینی می‌توان دید، این است که جوامع کوچ نشین^(۱۰) با بقیه جوامع یا به عبارتی سایر جوامع (گذشته، حال، آینده) چه رابطه‌ای داشته و خواهند داشت. این ارتباط تا حدودی «پنهان» است یا به عبارتی کشف نشده باقی مانده است، زیرا تاکنون جامعه‌های کوچ نشین را جدای از نظام^(۱۱) کلی طبیعت بررسی کرده‌ایم و بیشتر فعالیت هوشمندانه افراد جامعه کوچ نشین مورد نظر بوده است. در حالی که جامعه کوچ نشین جزئی از نظام کلی طبیعت به شمار می‌رود و فعالیت‌های هوشمندانه افراد با تغییراتی^(۱۲) که در نظام جزئی یا کلی طبیعت رخ می‌دهد، تغییر می‌کند. بنابراین اصل کوچ برای انسان یک اصل تداومی^(۱۳) باقی خواهد ماند، ولی ماهیت کوچ به میزان فعالیت‌های هوشمندانه انسان‌ها بستگی دارد. بنابراین تحول کوچ، تحول ماهیت است نه زندگی یکجا نشینی.

1. Semplet, The Geograpy of the Mediterranean region, New york, 1931.

2. Bartals

3. Barth

4. Bobek

5. Besch

6. Hancock

7. leidlmair

8. Planhol

9. uhlig

10. Immigrante Community

11. System

12. Variable

13. Continuity

تحرك عمودی^(۱) کوچ، امروز مفهومی دارد که در آینده نیز همان را خواهد داشت. لکن شیوه تحرك آینده با آن چیز که امروز و گذشته به آن دلالت می‌شد، متفاوت خواهد بود. تحرك افقی نیز چنین خواهد بود. بنابراین کوچ‌نشینی با تغییراتی که در نظام جزئی یا کلی طبیعت می‌شود، تغییر می‌کند. از طرف دیگر جستجو برای یافتن علت گوناگونی و گستردگی جوامع کوچ‌نشینی در فضای جغرافیایی متفاوت (مثلاً عرضهای ۲۵ تا ۵۵ درجه) چه به دلیل سازگاری با محیط و چه به دلیل تعاون و همیاری^(۲) از جمله موضوعات مورد مطالعه دانش کوچ‌نشینی خواهد بود. همین که ما بپذیریم که جوامع کوچ‌نشینی دارای نوعی سازگاری با محیط و نوعی همیاری میان اعضاء جامعه خود است. بی‌درنگ متوجه خواهیم شد که چرا نمی‌توان مطالعه جوامع کوچ‌نشینی را از مطالعه سایر جوامع (روستایی یا شهری) جدا کرد.

محیط زیست^(۳) که بسیار متنوع‌تر از تنوع جوامع کوچ‌نشینی است و مطالعه تأثیر متقابل این دو بر هم (محیط زیست و جوامع کوچ‌نشینی) دیگر موضوع مورد مطالعه جغرافیای کوچ‌نشینی است. این مطالعه اساسی‌ترین مطالعه‌ای است که در قلمرو جغرافیایی کوچ‌نشینی صورت می‌گیرد. تغییرات هر یک از این دو، در ارتباط با هم و در قلمرو جغرافیایی خاصی که ممکن است تماماً تحت تأثیر جامعه خاص کوچ‌نشینی (مثل قلمرو جغرافیایی ایل بختیاری) باشد و یا بخشی از قلمرو جغرافیایی تحت تأثیر جوامع متداخل کوچ‌نشینی (مثل قلمروهایی که جوامع کوچ‌نشینی متعدد، مشترکاً از آن عبور می‌کنند تا به قلمرو اصلی خود برسند) مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو تبیین روابط این دو، از موضوعات جالب توجه جغرافیدانان است.

با توجه به آنچه که گذشت، بعضی از عناصری که به موضوع مطالعه جغرافیای کوچ‌نشینی ارتباط می‌یابند، از این قرار است:

۱- تمام افراد کوچ‌نشینی گذشته و حال، نیازهای همانندی داشته و دارند که متناسب با آن در محیط‌های غیر همانند و غیر هم‌زمان به تأمین نیاز می‌پردازند. آفریقا (قبایل سرخ‌پوست)، استرالیا، هندوستان، پاکستان، افغانستان، ازبکستان، قزاقستان، ایران، عراق، ترکیه، لبنان، سوریه، اردن، آذربایجان، اوکراین، محیط‌های غیر همانندی هستند که کوچ‌نشینیان غیر هم‌زمان، در قلمرو جغرافیایی

1. Vertica Imobility

2. Coopraption

3. Environment

خود به کوچ مشغول خواهند شد و مورد توجه جغرافیدانان است.

۲- جوامع کوچ نشین به تدریج دارای یک رشته نیازهای اشتقاقی شده که محصول تجربیات اجتماعی و فرهنگی خود کوچ نشین است. نیازهای اشتقاقی از جمله تملک فضاها، تجربیات عاطفی، قائل شدن به نظم و معانی معیشتی، گرایش مذهبی و... جزء نیازهایی است که باید مورد توجه جغرافیدانان باشد.

۳- جوامع کوچ نشین دارای عناصر اساسی از جمله جمعیت^(۱)، فرهنگ، سازمان جامعه^(۲) و نهادهای اجتماعی هستند که موضوع مطالعه جغرافیدانان است.

۴- جوامع کوچ نشین در فضاها، جغرافیایی مشخصی گسترش دارند. شناسایی این فضاها از وظایف جغرافیدانان است.

با نگرش فوق و توجه به منابع ذکر شده و کشورهایی که برخوردار از کوچ نشینی هستند و نیز تعداد جمعیت کوچ نشینان جهان که احتمالاً کمتر از حدود ۲۰۰ میلیون نفر نیست، جایگاه مطالعه جامعه کوچ نشینان از دیدگاه جغرافیا معتبرتر می شود. در این خصوص کشورهای اروپایی به ویژه آلمان به منظور متحول ساختن زندگی کوچ نشینان، در گروههای جغرافیایی دانشگاههای خود محققین و پژوهشگران و اساتید را وادار به مطالعه جامعه کوچ نشین می کنند. در آمریکا به دلیل این که دارای نظامهای سنتی کوچ نشینی نبوده است، لذا کمتر مورد توجه و شناسایی رسمی دانشگاهی قرار گرفته است. در آفریقا دانشجویان، کوچ نشینی را مطالعه می کنند و در آسیا نیز همچون کشور ما، ایران مطالعات کوچ نشینی جایگاه ویژه ای در دانشگاهها دارد. در استرالیا علی رغم دامداری و کشاورزی مدرن، مسئله کوچ نشینی جایگاه ویژه ای در دانشگاههای آن کشور دارد. در انگلستان موضوع کوچ نشینی تا حدودی مسکوت مانده است.

کشور ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی خود و همجواری با سایر قبیله های کوچ روی کشورهای همسایه، سرزمین تجربه و مشاهده کوچ و کوچ نشین است. اهمیت کوچ نشینی در ایران تنها پرداختن به شکل خاصی از معیشت* نیست، بلکه مظاهر فرهنگی عشایر و تأثیرگذاری فراوانی که دارد، بر اهمیت آن می افزاید. عوامل مختلفی در پیدایش کوچ نشینی در ایران مؤثر بوده که از جمله آنها عامل

1. Population

2. Social organization

*. Subsistence

ناهمواری، زیستی، اقلیمی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی و... است.

تعداد افراد کوچ‌نشین ایرانی طبق سرشماری سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، دو تا سه میلیون بوده که در همان زمان جمعیت ایران به ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر می‌رسیده است. در سال ۱۳۶۶ که جمعیت ایران ۴۸ میلیون نفر بود، تعداد کوچ‌نشین به ۱/۱۸۰/۰۰۰ نفر رسیده اکنون ممکن است تعداد آنان به یک میلیون نفر رسیده باشد و احتمال کاهش بیشتر جمعیت کوچ‌نشین وجود دارد. جوامع کوچ‌نشین غرب ایران طی ۸ سال دفاع مقدس آسیبهای فراوانی دیده‌اند و همواره از انقلاب دفاع و در مقابل دشمن سرسختانه ایستادگی کردند. بخشی از ایثارگریها و مقاومت‌های دلیرانه آنان در فصلنامه‌های عشایر ذخایر انقلاب مکتوب است. کوچ‌نشینان به عنوان قشر محروم و زحمتکش ایران که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، همواره مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) بوده‌اند.

موضوع جغرافیای کوچ‌نشینی به اجمال و بطور محدود از وقتی که نظام آموزش کلاسیک مقاطع مختلف تحصیلی آموزش و پرورش راه اندازی شد، در کتابهای جغرافیا و تاریخ و بعداً علوم اجتماعی آمده است. بنابراین قدمت آموزش غیر رسمی کوچ‌نشینی به بیش از ۵۰ سال قبل بر می‌گردد.

آموزش رسمی جغرافیای کوچ‌نشینی به عنوان درسی مستقل در گروههای جغرافیایی دانشگاههای ایران، برای اولین بار در دانشگاه تهران، از سال ۱۳۴۸ آغاز شد. آن زمان مدیر گروه جغرافیای دانشگاه تهران جناب آقای دکتر محمد حسن گنجی، استاد ممتاز دانشگاه تهران بود. تدریس درس جغرافیای کوچ‌نشینی دانشگاه تهران توسط ایشان به نگارنده محول شد که هم اکنون نیز ادامه دارد. در دانشگاههای تربیت معلم - مشهد - اصفهان - تبریز - یزد - زاهدان، آزاد اسلامی و پیام نور هم اکنون این درس دایر است.

جغرافیای کوچ‌نشینی در سه مقطع کارشناسی - کارشناسی ارشد و دکترا تدریس می‌شود. سرفصلهای درس در هر مقطع تعیین و مصوب می‌باشد. در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۲ در جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی علوم انسانی، دوره کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی با گرایش روستایی - عشایری به تصویب رسیده است. تاکنون چندین دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و حتی دکترا در موضوعاتی که به نحوی به جغرافیای کوچ‌نشینی مربوط می‌باشد، با انتخاب پایان‌نامه دانشجویی فارغ التحصیل شده‌اند. جهاد سازندگی و سازمان عشایر ایران، برنامه و بودجه، وزارت کشاورزی، وزارت بهداشت و آموزش و پرورش نیز هر کدام به نحوی با توجه به اهدافی که دارند، در مطالعه کوچ‌نشینان

همت کرده‌اند و اکنون چندین اثر تحقیقی در این خصوص در اختیار است. سایر رشته‌های دانشگاهی از جمله جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد، علوم سیاسی، تعلیم و تربیت و روانشناسی نیز به نحوی دیگر این جامعه را مورد مطالعه قرار داده و تحقیقات ارزشمندی را مکتوب نموده‌اند. در وزارت مسکن نیز دفتری با عنوان آبادانی مناطق عشایری از سال ۱۳۲۸ به فعالیت مشغول بوده است. علی‌رغم کارهای انجام شده هنوز تحقیقات مبنایی و عمیق روی جوامع کوچ‌نشینی صورت نگرفته. شاید یکی از علتهای وجود موضوعات متعدد تحقیق و مطالعه و اولویت آنها است.

صدا و سیما در این خصوص بعضی آثار مستند تهیه کرده‌اند که ارزشمند هستند، البته این تلاش نه از جهت رفع مشکل یا مشکل‌شناسی جامعه کوچ، بلکه به منظور تأمین برنامه‌تصویری یا صوتی سازمان مزبور تحقق یافته است. از همه این تلاشها که بگذریم چند اثر مکتوب و ارزشمند در بین آثار مکتوب دانشگاهی و غیر دانشگاهی به چشم می‌خورد. طبیعی است که این تعداد کفایت نمی‌کند و باید آثار متعددی در این خصوص به رشته تحریر درآید:

۱- آقای دکتر اسکندر امان‌اللهی یک جلد کتاب تحت عنوان کوچ‌نشینی در ایران در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسانده‌اند.

۲- ت. فیروزان در سال ۱۳۶۲ کتابی تحت عنوان ترکیب و سازمان ایلها و عشایر ایران را به چاپ رسانده‌اند.

۳- آقای ایرج افشار سیستانی در سال ۱۳۶۶ کتاب ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران را به چاپ رسانده‌اند.

۴- آقای رضا مستوفی الممالکی در خصوص ایل قشقایی یک اثر تحقیقی دارند.

۵- مجله پیام یونسکو شماره ۲۰۱، سال هیجدهم، ۱۳۶۵، مقاله‌ای با عنوان سرزمینهای آلپ چاپ کرده است که به کوچ‌نشینی پرداخته است.

۶- آقای نصرالله پورافکاری کتابی با عنوان کولیها به چاپ رسانده‌اند.

۷- مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۶ از کوچ‌نشینان ایران سرشماری اجتماعی - اقتصادی بعمل آورده که بسیار مفید است.

۸- آقای پرویز ورجاوند کتابی با عنوان ایلات و عشایر ایران به چاپ رسانده‌اند، این اثر در دانشگاه تهران چاپ شده است.

- ۹- فصلنامه عشایر ذخایر انقلاب که از سال ۱۳۶۷ اولین شماره آن به چاپ رسیده، حاوی مقالات مهم و مستدلی از کوچ‌نشینان است.
- ۱۰- آقای دکتر علی پورفیکوهی در سال ۱۳۷۳ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد مقاله‌ای تحت عنوان «سیری در تطور کوچ‌نشینی شبانه» را به رشته تحریر درآورده‌اند.
- ۱۱- آقای محمد حسین پاپلی در سال ۱۳۷۱ کتابی با عنوان کوچ‌نشینی شمال خراسان تألیف کرده‌اند.
- ۱۲- آقای اصغر کریمی در سال ۱۳۷۲ کتابی با عنوان «سیاه چادرهای خراسان» را تحریر کرده‌اند.
- ۱۳- نگارنده در سال ۱۳۶۹ در مجله پژوهشهای جغرافیایی دانشگاه تهران مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی پیرامون کوچ‌نشینی را به رشته تحریر درآورده است.
- ۱۴- همچنین نگارنده در سال ۱۳۶۹ کتابی با عنوان جغرافیای کوچ‌نشینی در دانشگاه پیام نور، در سال ۱۳۷۱ در مجله دانشنامه مقاله‌ای را با عنوان مسئله نوین قبیله‌ای، در سال ۱۳۷۱ کتاب جغرافیای کوچ‌نشینی (مبانی و ایران) در سازمان مطالعه و تدوین - سمت و در سال ۱۳۷۴ کتاب اقتصاد کوچ‌نشینان را در دانشگاه پیام نور به چاپ رسانده است.
- طبیعی است که آثار یاد شده مجموعه آثار مکتوب جامعه کوچ‌نشینی ایران نیست و آثار ارزشمند دیگری نیز به طور پراکنده در سایر دانشگاههای ایران وجود دارند.

**Looking to Defenition and History of Nomadism in Iran and
in the world.**

**Dr. Moshiri R., Full prof, Dept of Geography, Unirersity of
Tehran.**

Abstract

This article describe the situation of Iranian nomads in the related area. the word nomad originated from Greece language. In addition to sociologists, geographers did also more research about Nomadism.

Iranian geographers such as Dr. Papoli and Sahami did some good geographical inguery on nomadism.

Iran and other Middle East Countries have Nomads which they need to have:

1. Space for moving
2. Social organization
3. Special e cinomic bases

Sinze 1970, because of importance of nomadism, according to Higher Education of Iran, universities have some cources for B.A,M,A, and Ph.D levels about nomdism.